



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش خود نویسنده میباشد



۲۰۱۷/۰۹/۲۵

رسول پویان

## اوضاع اقتصادی و اجتماعی افغانستان

### پس از کودتای ثور ۱۳۵۷

قسمت دوم

#### القای گرو داری و سود و سلم

به تاریخ ۱۲ جولای ۱۹۷۸ فرمان مزبور اعلان شد. مدتی بعد رسانه های حکومتی پخش کردند، که ۱۱ الی ۱۲ میلیون دهقان از زیربار سنگین سود خواران، بزرگ زمینداران و نظام عنعنوی و کهنه فیودالیزم نجات پیدا کردند. تجارب تاریخی نشان داده است که بدون اصلاحات و تحولات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه در پروسه رشد و انکشاف ریشه ای، شکستن ساختار های سنتی غالب در جامعه امکان پذیر شده نمی تواند.

در هنگام کودتای ثور تا هنوز نظام مختلط عرفی و سنتی متکی بر مناسبات بسیار متنوع قبل از سرمایه داری در افغانستان مسلط بود. مناسبات و قراردادهای اقتصادی و اجتماعی در عرصه معاملات، داد و ستد، گرو داری، مضاربت، کثمتندی، دهقانی، قرضداری و قرض دهی، شراکت ها، سود و سلم، اسناد تغییر و انتقال مالکیت ها و غیره بیشتر بر مبنای عرف جاری، شریعت اسلامی و مناسبات اعتباری در این نظام عرفی و سنتی تحقق می یافت. تا هنوز سیستم بانکی، مالی و نهادهای جدید در جامعه روستایی راه چندان پیدا نکرده بود.

نظام کودتایی بدون مطالعه و تحقیقات لازم و الترناتیف عملی با فرمان شماره هشتم مبنی بر اصلاحات ارضی و فرمان شماره شش، بی اعتبار اعلام نمودن مناسبات حاکم عرفی و سنتی، هرج مرج در عرصه اقتصادی و مالی نظام دهقانی را به بحران عمیق تبدیل کرد و به جریان معاملات، اعتبارات، مالکیت ها، کار و کاسبی، سرمایه گذاری ها و جریان اقتصادی نورمال جامعه ضربات کاری وارد ساخت، که نتیجه آن همان قیام های وسیع مردمی، اعتراضات عمومی و جنگ درازمدت بود.

قرارداد های ظالمانه و مناسبات نا عادلانه، زمانی در یک جامعه محو و ریشه کن می شود که ساختار و بافت عمومی آن اجتماع در قالب پر ظرفیت سیاسی و مدنی همآهنگ با اصلاحات و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بازسازی و نوسازی گردد. برای دست یابی به این مهم ضرورت به برنامه ها و پلان های عمیق و درازمدت می باشد. نظام عرفی و سنتی به خاطری جاذبه و حاکمیت دارد که مردم به آن اعتماد دارند و چون انتخاب دیگری وجود ندارد، جامعه به آن معتاد شده است.

در عوض فرمان پر سر و صدای مزبور، دولت می توانست سیستم بانکی، تعاونی و قرضوی را گسترش دهد. از طریق بانک زراعتی کمک های انکشافی را به دهقانان زیاد کند. آنان را به سیستم بیمه های اجتماعی آشنا سازد و دیگر نهاد های لازم را به وجود آورد.

دولت در گرماگرم اجرای فرمان شماره هشتم و ششم به ایجاد صندوق های تعاونی در دهات مبادرت ورزید و آنرا در سطح ابتدایی در بستر پر هرج و مرج و بحرانی جامعه دهاتی به بوتۀ امتحان گذاشت که موفقیتی حاصل کرده نتوانست. در یکی از روزنامه های رسمی در این مورد آمده است:

«در سال های ۱۳۵۹ و ۶۰ به تعداد ۱۲۱۱/۶ کوپراتیف دهقانی تأسیس شد که در آن ۲۰۰ هزار دهقان متشکل گردید» (۱) مردم به این صندوق های تعاونی اعتماد نداشتند. دولت در تأسیس و اداره آن تجربه و دانش کافی در دست نداشت. این صندوق ها بودجه لازم نداشتند و دهقانان فقیر نمی توانستند نیازمندی های خود را رفع کنند. صندوق های مذکور به میل و ضرورت خود دهقانان به وجود نیامده بود؛ بلکه دولت توسط آن اهداف سیاسی و ایدئولوژی خود را پیاده می کرد، به این صورت با فرهنگ و عنعنات حاکم دمسازی و هماهنگی نداشت. با گسترش قیام های مردمی و جنگ تمام عیار این رشته های سست بافته گردید و جامعه گرفتار خشونت، درگیری، جنگ مسلحانه و بحران فراگیر شد.

## تغییر نشان و بیرق

یکی از مشکلات افغانستان در سده های متمادی خاصه قرن جاری مغشوش سازی هویت تاریخی، مدنی و ملی آن توسط دولت ها بوده است. دولت ها بدون توجه به هویت تاریخی و فرهنگی جامعه به میل و سلیقه حاکم بر سر اقتدار تغییرات در نشان رسمی و بیرق ملی آورده اند.

نشان رسمی و بیرق ملی یک کشور در حقیقت سنبول هویت تاریخی، تمدن، فرهنگ و موجودیت یک جامعه است که در اثر توافق عمومی اکثریت ساکنین آن به وجود می آید و به مرور زمان سنبول هویت ملی آن جامعه می شود. دولت جدید بدون در نظر داشت این معانی عمیق از روی احساسات ایدئولوژیکی در پی آن شد تا یک روزه هویت تاریخی و ملی جامعه را درست به ضد آن عوض نماید.

انتخاب نشان «حرب خلق» و بیرق سرخ جامعه را تکان شدید داد و این به معنی اعلان جنگ با تمام اعتقادات، سنن، عنعنات و عرف و عادات مردم بود. با این اقدام بهترین حربه به دست مخالفان و رقیبان دولت جدید و حامی آن روسیه شوروی افتاد و تبلیغات دینی و اسلامی بر ضد «بیرق سرخ کمونیستی» شروع شد.

## لغو قانون اساسی و تابعیت اتباع

یکی از عمده ترین کمبودهای جوامع عقب مانده به خصوص افغانستان نبود سیستم حقوقی، قانونگذاری، قضایی و اجرایی پایدار، مستحکم و مورد اعتماد جامعه و مردم است. دولت ها همواره به میل و سلیقه حاکم جدید قوانین گذشته را منسوخ کرده و قوانین جدیدی به نفع خود به وجود آورده اند که ما آنرا بعد از سقوط دولت امان الله خان در دوره نادرشاه، ظاهرشاه و جمهوری داوود خان مشاهده نمودیم.

۱ - اتفاق اسلام، ۱۸ جوزای ۱۳۶۱.

دولت کودتا به تاریخ ۱۴ می ۱۹۷۸ طی فرمان شماره سوم لغو قانون اساسی ۱۹۷۷ میلادی مطابق ۱۳۵۶ شمسی را اعلان کرد و تشکیل محاکم ملکی و نظامی جدید را مطرح ساخت. در فرمان شماره پنجم به تاریخ ۱۴ جون همین سال سلب تابعیت ۲۳ تن اعضای خانواده شاهی اعلان شد. این دو فرمان در واقع مصونیت های حقوقی و قانونی اتباع را در جامعه به خطر انداخت و در پهلوی بحران عمیق نظام عرفی و سنتی که با فرمان شماره ششم و هشتم پدید آمده بود، مردم هر نوع پشتیبانیه حقوقی و قانونی خود را در ابعاد عرفی و سنتی و رسمی و مدنی از دست دادند. این خلاء حقوقی و قانونی روز به روز ابعاد وسیعتری به خود گرفت. تا آنکه میکانیزم جنگی و بحران مسلحانه، فاتحه نظم و قانون و امنیت و مصونیت های فردی و اجتماعی را خواند.

برای استقرار سیستم حقوقی و نظام قانونی ضرورت به ثبات، تفکیک و استحکام قوای سه گانه می باشد. حکومت ها نه تنها در برابر قانون و مردم (و یا نمایندگان مردم) مسؤول و جوابگو اند؛ بلکه در پیشگاه قوه قضائیه عادل و غیر آلوده به فساد و رشوه، در صورت جرم و تجاوز به حقوق دیگران باید از خود دفاع کنند؛ نه اینکه به میل سیاسی و ایدئولوژیکی خود بر قوه قضائیه و مقننه هم اعمال نفوذ و سیطره یابند. مخالفین سیاسی و ایدئولوژیکی خود را در محاکم نظامی محاکمه کنند و به میل خود حق تابعیت را از اتباع کشور سلب سازند.

### قرارداد های یک جانبه و تخریب سکتور خصوصی

دولت جدید با فرمان های عجولانه و قرارداد های یکجانبه با روسیه شوروی تلاش ورزید با تخریب سکتور خصوصی، مالکیت های متوسط و بزرگ ارضی، نظام عرفی و سنتی غالب و فاصله گیری از جهان سرمایه داری غرب زمینه را برای «راه رشد غیر سرمایه داری»، «نفوذ بلاک وارسا و شوروی» و «پیاپی سازی برنامه های افراطی» آماده سازد. در همان سال نخست تمام قرارداد های سابق با شوروی تمدید و قرارداد های جدیدی به امضاء رسید که فشرده آن به شرح زیر است:

- ۹ ثور ۱۳۵۷: قرارداد بهره برداری از گاز و آماده سازی انجیزان و متخصصین امضاء شد.
- ۱۱ ثور ۱۳۵۷: قرارداد مبادله اخبار و اطلاعات و همکاری بین دولت افغانستان و دولت شوروی به امضاء رسید.
- ۲۱ ثور ۱۳۵۷: قرارداد خریداری سامان آلات مورد نیاز پروژه های معادن عقد گردید.
- ۲۶ ثور ۱۳۵۷: موافقتنامه مطالعه تکنیکی و اقتصادی مؤسسه غنی سازی ذوب مس عقد شد.
- ۲۷ ثور ۱۳۵۷: قرارداد سروی و پروژه سازی بهره برداری از آب دریای کوچک، اسناد تکمیل خریداری سامان آلات برای پروژه وادی ننگرها به امضاء رسید.
- ۴ جوزای ۱۳۵۷: موافقتنامه مجادله علیه ملخ منعقد گردید.
- ۸ جوزای ۱۳۵۷: قرارداد تکمیل راپور های اقتصادی و تکنیکی یک عده از فابریکه های نساجی بین نمایندگان وزارت معادن و صنایع و کمپنی تکنواکسپورت شوروی عقد شد.
- ۲۶ جوزا ۱۳۵۷: موافقتنامه تعدیل سه فابریکه جن و پارس به امضاء رسید (۲)

دولت جدید با شتاب و شدت مبارزه همه جانبه را علیه نظام حاکم اقتصادی و اجتماعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی توسعه بخشید و عملاً در مقابل اکثریت جامعه و مردم قرار گرفت. به قول "فرد هالیدی" یکی از محققین خارجی:

۲ - مقدمه بر تاریخ تحولات اجتماعی افغانستان، ص ۱۱۷.

«برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان (ح. د. خ. ا) برنامه انقلابی است و هدف آن دگرگونی سوسیالیستی جامعه افغانستان و خلع دست طبقه حاکمه فعلی است، که در سیاست داخلی مستلزم سه اقدام اساسی است:

**\*\* اصلاحات ارضی،**

**\*\* ملی کردن صنایع**

**\*\* و برکناری عناصر ضد دیموکراتیک از دستگاه دولتی»<sup>(۳)</sup>**

در مورد برنامه اصلاحات ارضی به تفصیل بحث شد. دولت همچنان تلاش ورزید تا صنایع عمده کشور را تحت کنترل گرفته و بخش خصوصی را کاملاً زیر رهبری دولت آورد. رسیدن به این هدف به وقت کافی و اصلاحات اساسی نیاز داشت. دولت همانطور که بدون مطالعه و بررسی لازم دست به اصلاحات ارضی زد، خواست رهبری خود را بر بخش خصوصی نیز اعمال کند. "تره کی" رهبر شورای انقلابی در این مورد چنین گفت:

**«دولت کنترل حد اقل ۵۱ فیصد صنایع اصلی را در دست خود خواهد گرفت»<sup>(۴)</sup>**

اقدامات شدید اولیه دولت هر ج و مرج و بحران را در جامعه روستایی و شهری و در بین حلقهات سیاسی، مذهبی و قومی و مالکان ارضی و سرمایه داران خصوصی توسعه بخشید. از نگاه درون حزبی رقابت های شدیدی بین حزب خلق به رهبری نور محمد تره کی و حزب پرچم به رهبری بیرک کارمل شدت یافت که منجر به برکناری بلند پایگان حزب پرچم شد. هنوز برنامه های بلند پروازانه دولت جدید از کوره امتحان بیرون نشده بود که انشعاب قوی دیگری در حزب حاکم در اثر اختلاف بین "تره کی" رهبر شورای انقلابی و "حفیظ الله امین" صدراعظم دولت به میان آمد و منجر به قتل "تره کی" گردید.

فرمان ها و برنامه های افراطی دولت، اختلافات حاد و خونین درون دستگاه حکومت و توسعه قیام های مردمی و جنگ مسلحانه، بقای دولت جدید را به خطر جدی رو به رو کرد. دولت شوروی برای جلوگیری از سقوط دولت کودتا به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ به افغانستان تجاوز نظامی کرد.

**پایان قسمت دوم**

**ادامه دارد**

قسمت اول این مطلب مهم را می توانید به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/rasool\\_poyan\\_afghanistan\\_baz\\_az\\_coupdetaye\\_saor\\_1.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/rasool_poyan_afghanistan_baz_az_coupdetaye_saor_1.pdf)

<sup>۳</sup> - انقلاب افغانستان، ص ۷۶.

<sup>۴</sup> - انقلاب افغانستان، ص ۶۶.

